

زمان آن است که سکوت حاکم بر تسلیحات هسته ای اسرائیل شکسته شود مهرناز شهابی، ۱۷ می ۲۰۲۱ - کنسورتیوم نیوز

<https://consortiumnews.com/2021/05/17/time-to-end-the-silence-on-israels-nuclear-weapons/>

رژیم صهیونیستی در حالی سردمدار ترویج سوءظن درمورد برنامه انرژی هسته ای ایران است که زرادخانه بزرگ هسته ای خود آن رژیم تافته جدا بافته ای است که هیچگونه بحث و سوالی در باره آن صورت نمی گیرد.

حمله اسرائیل به تاسیسات غنی سازی نطنز در ایران در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۱ میلادی که سانترفیوژ های تحت نظارت سازمان بین المللی انرژی هسته ای را هدف قرار داد، یک ترور هسته ای بود که بالقوه می توانست هزاران انسان بیگناه را کشته یا به آنها آسیب رساند، و لطماتی غیر قابل جبران به محیط زیست وارد کند.

اگرچه اسرائیل مسئولیت این واقعه را نه پذیرفته و نه انکار کرده است، تقریباً همه رسانه ها با استناد به اظهارات ماموران ارشد امنیتی آمریکایی و اسرائیلی (۱)، مسئولیت این حمله را به اسرائیل نسبت داده اند (۲).

به گزارش روزنامه پست اورشلیم (۳)، دنی یتوم، رئیس پیشین موساد، در جریان مصاحبه با رادیوی ارتش اسرائیل از درز خبر دست داشتن اسرائیل در این عملیات تروریستی به روزنامه تایمز، ابراز نگرانی کرد و هشدار داد که چنین افشاگری هایی می تواند به توانایی عملیاتی اسرائیل لطمه وارد کند. "اگر واقعا اسرائیل در چنین عملیاتی دست داشته است، درز این خبر امری بسیار جدی است ... که مغایر منافع اسرائیل و مبارزه اش با تلاش های ایران در دستیابی به سلاح های هسته ای است. چنین عملیاتی باید در خفا بماند."

کشورهای غربی عضو شورای امنیت سازمان ملل که امضا کنندگان معاهده برجام نیز هستند، رسانه های طیف غالب، کارشناسان، و سازمان های حقوق بشری، یعنی سردمداران جنگ صلیبی علیه "خطرات هسته ای ایران" و "تخلفات ضد بشری ایران"، چنین جنایت شنیعی را محکوم نکرده اند.

تاریخچه ترور هسته ای

این اولین باری نیست که اسرائیل به تاسیسات هسته ای کشورهای دیگر حمله می کند. پیش از این، در سال ۱۹۸۱ میلادی اسرائیل راکتور هسته ای اوسیراک در عراق، و در سال ۲۰۰۷ میلادی، مکانی در دیرالزور را که ادعا می کرد تاسیسات هسته ای پنهانی سوریه بوده است، بمباران کرده بود.

از سال ۲۰۱۰ میلادی، اسرائیل برنامه ترور دانشمندان ایرانی و حمله به تاسیسات انرژی هسته ای ایران را در دستور کار قرار داد. در ژوئن سال ۲۰۱۰، کرم کامپیوتری خطرناکی بنام استاکسنت (۴) که توسط آمریکا و اسرائیل ساخته شده بود با همکاری جاسوسان هلندی وارد پایگاه غنی سازی نطنز شد (۵) و با تشدید سرعت سانترفیوژ ها آنها را از کار انداخت (۶).

با موجی از حملات تروریستی به تاسیسات صنعتی، نظامی و هسته ای ایران، در ۲ جولای ۲۰۱۰، انفجار و آتش سوزی مهیبی در پایگاه غنی سازی نطنز تعداد زیادی سانترفیوژ را نابود کرد. رئیس موساد، یاسی کوهن، به روزنامه نیویورک تایمز گفت که اسرائیل بمبی را منفجر کرده است، و مامورین امنیتی آمریکایی و اسرائیلی ابراز اطمینان کردند (۷) که اسرائیل مسبب آن حوادث در تاسیسات نظامی و هسته ای ایران بوده است.

متحدان اسرائیل در قبال همه این عملیات خشونت آمیز، باخطرات بالقوه ایجاد فجایع انسانی و زیست محیطی، و بدون تردید ناقض قوانین بین الملل و منشور سازمان ملل، سکوت کامل اختیار کرده اند و این جنایات هیچگونه پاسخگویی، مجازات و عواقب منفی ای برای اسرائیل در بر نداشته است. توجیهی که غالباً ارائه می شود این است که اسرائیل سعی دارد مانع از دستیابی ایران و سایر کشورهای خاور میانه به سلاح های هسته ای شود.

حال آنکه اسرائیل، این سردمدار سالها هراس آفرینی و دروغ پراکنی در مورد برنامه هسته ای متعارف ایران که تمام سعی خود را برای بر هم زدن توافق نامه هسته ای سال ۲۰۱۵ بکار گرفته، تنها کشور مجهز به سلاح های هسته ای در خاورمیانه است.

اسرائیل با سماجت از پیوستن به معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای (ان پی تی) خودداری کرده است. این رژیم نه "کنوانسیون سلاح های بیولوژیکی" را امضا کرده، و نه آن کنوانسیون و نه "کنوانسیون سلاح های شیمیایی" را به تایید پارلمان اسرائیل رسانیده است.

نیم قرن پیش شروع شد

برنامه تسلیحاتی هسته ای اسرائیل در دهه پنجاه با کمک فرانسه شروع شد. فرانسوی ها در ساخت راکتور هسته ای دیمونا و پایگاه مخفیانه بازراوری، برای جدا سازی پلوتونیوم از سوخت مصرف شده راکتور، به اسرائیل کمک کردند. بدنبال جنگ سال ۱۹۶۷ با اعراب، برنامه تسلیحاتی هسته ای اسرائیل شدت گرفت. جولیان بورگر، در روزنامه گاردین بتاريخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴ حقیقت زرادخانه هسته ای مخفیانه اسرائیل را برجسته و یاد آوری می کند که جاسوسان اسرائیلی که وظیفه خرید مواد هسته ای و فن آوری های درجه یک را به عهده داشتند، چگونه به حساس ترین تاسیسات صنعتی دنیا راه پیدا کردند. (۸)

دزدی ها و دستیابی های مخفیانه به مواد و دانش ساختن کلاهک های هسته ای توسط یک حلقه جاسوسی بسیار خیره بنام لاکام (نام خلاصه عبری برای "اداره همکاری های علمی")، با وجود اینکه قویا مستند است، هنوز رازی سرکشوده است. همان کشورهایی که مواد و فن آوری هسته ای را مخفیانه به اسرائیل فروختند و نقل و انتقال های غیر قانونی مواد و فنآوری هسته ای را نادیده گرفتند - یعنی ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، فرانسه و حتی نروژ - حالا به سخت ترین مبارزه علیه برنامه انرژی هسته ای ایران دست زده اند و ترورهای هسته ای اسرائیل را نادیده می گیرند. بورگر می نویسد:

در سال ۱۹۶۸ میلادی، ریچارد هلمز، رئیس سازمان سیا به جانسون رئیس جمهور وقت گفت که واقعیت این است اسرائیل توانسته است سلاح های هسته ای بسازد و نیروی هوایی اش پرتاب بمب را تمرین کرده است. در جلسه ای در سال ۱۹۷۶ میلادی ... نایب رئیس سازمان سیا بنام کارل داکت به چند نفر از مأمورین کمیسیون نظارت بر برنامه هسته ای ایالات متحده اطلاع داد که سازمان سیا مظنون است که مقداری از مواد شکافته مورد استفاده در بمب های اسرائیلی اورانیوم درجه تسلیحاتی است که زیر چشم آمریکا از پایگاه فراوری پنسیلوانیا دزدیده شده است. .

نه تنها میزان قابل توجهی مواد هسته ای شرکت مواد و ماشین آلات هسته ای (نومک) ناپدید شده بود، بلکه ارشدترین افراد امنیتی اسرائیل، من جمله رافائل ایتان، که بعدها ریاست لاکام را بعهده گرفت از شرکت مزبور دیدن کرده بودند. رافائل ایتان که شرکت نومک او را شیمییدان وزارت دفاع اسرائیل توصیف کرده بود، در واقع مأمور بسیار ارشد موساد بود.

روز بیست و دوم سپتامبر ۱۹۷۹، ماهواره آمریکایی بنام ولا ۶۹۱۱، درخشش مضاعفی را در سواحل آفریقای جنوبی شناسایی کرد که علامت ویژه آزمایشات بمب اتمی است. لئونارد وایس، ریاضیدان و کارشناس اشاعه هسته ای، که سمت مشاور مجلس سنا را بعهده داشت، با دریافت گزارش دستگاههای امنیتی و آزمایشگاههای سلاح هسته ای آمریکا، تردیدی نداشت که قطعاً با نقض "معاهده منع محدود آزمایشهای هسته ای"، آزمایشی هسته ای انجام گرفته است. بر مبنای اطلاعاتی که منابع آمریکایی به سیمور هرش (خبرنگار برجسته آمریکایی) دادند درخشش مضاعفی که ماهواره ولا شناسایی کرده بود در واقع سومین آزمایش هسته ای از یک سری آزمایشات هسته ای اسرائیل بود که با همکاری آفریقای جنوبی (در آن هنگام، تحت رژیم آپارتاید) در اقیانوس هند انجام گرفته بود.

افشای برنامه تسلیحاتی اسرائیل

مرده خای وانونو، که در دهه هفتاد میلادی در مرکز تحقیقاتی نقب نزدیک شهر دیمونا سمت مهندسی داشت، در سپتامبر ۱۹۸۶ در جریان سفری به لندن سوت افشاگری را به صدا در آورد و ۵۷ عکسی را که مخفیانه گرفته بود همراه با اطلاعات دقیقی (۹) از برنامه تسلیحاتی اسرائیل در اختیار پیتر هونام روزنامه نگار ساندی تایمز قرار داد. این اطلاعات شامل جزئیات جدا سازی لیتیوم-۶ برای تولید تریتیوم بود. تریتیوم از عناصر اصلی انفجارهای هسته ای است. بر اساس اطلاعاتی که وانونو فراهم آورد، می شد تخمین زد که اسرائیل پلوتونیوم کافی برای تولید ۱۵۰ بمب هسته ای (۱۰) در اختیار دارد.

جاسوسان موساد از طریق ایجاد یک ارتباط عاشقانه بین وانونو و زنی که جاسوس اسرائیل بود، توانستند وانونو را که مردی تنها بود به رم بکشاندند و در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ او را دزدیده و به اسرائیل منتقل کنند. روزنامه ساندى تایمز در اکتبر ۱۹۸۶ افشاگری های وانونو را منتشر کرد. وانونو پس از گذراندن ۱۸ سال زندان انفرادی به جرم جاسوسی و خیانت به اسرائیل، در ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ از زندان آزاد شد ولی شرایط آزادی اش، صحبت نکردن با روزنامه نگاران، ترک نکردن اسرائیل و نرفتن به گرانه باختری رود اردن بود. هم اکنون پس از گذشت سی و پنج سال از دستگیری و زندان، به علت آگاهی وی از اطلاعات حساسی که امنیت اسرائیل را بخطر می اندازد، دادگاه هنوز هم مکرراً آزادی او را مقید به شروطی می داند که در حکم اولیه آزادی او قید شده بود.

برنامه هسته ای ایران

برخلاف اسرائیل، ایران عضو دیرینه "معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای" بوده است. علت پنهان کاری ایران در دهه نود، فرار از اقدامات زورگویانه آمریکا در بهم زدن خرید ها و قرارداد های مشروع برای برنامه نوپای انرژی هسته ای ایران بوده است. تا بحال، هیچگونه شواهد معتبری در مورد ابعاد تسلیحاتی برنامه هسته ای ایران ارائه نشده است.

گارت پورتر، مورخ و روزنامه نگار پژوهشگر آمریکایی در کتاب تاثیرگذارش تحت عنوان "بحران ساختگی: ماجرای ناگفته ی هراس آفرینی از برنامه هسته ای ایران" (۲۰۱۴) شرح مفصل و جامعی از شواهد ادعایی اهداف تسلیحاتی هسته ای ایران ارائه می کند، شواهدی چون لپ تاپ دزدیده شده کذایی و سالن آزمایش پارچین، که پورتر ماهیت آنها را به عنوان ساخته و پرداخته های اسرائیل و آمریکا با هدف ایجاد یک بحران ساختگی (۱۱) در رابطه با برنامه هسته ای ایران، با مهارت به چالش کشیده و رد می کند.

کارنامه همکاری و مصالحت ایران

کارنامه همکاری کامل ایران با آژانس بین المللی هسته ای و کشورهای غربی بخوبی نشان می دهد که ایران دائماً تلاش کرده است که همه نگرانی ها در رابطه با برنامه انرژی هسته ای اش را برطرف کند، هر چند همه تلاشهای ایران در راستای شفاف سازی و ایجاد اطمینان، مرتباً از جانب آمریکا، زیر فشار اسرائیل، رد شده است.

در سال ۲۰۰۲ میلادی، "شورای ملی مقاومت" یا "سازمان مجاهدین خلق" که تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ هنوز در لیست تروریستی وزارت امور خارجه آمریکا قرار داشت، وجود دو پایگاه هسته ای - غنی سازی اورانیوم در نطنز و آب سنگین اراک - را به سازمان انرژی هسته ای "افشا" کرد. هر چند ایران اجباری نداشت که زودتر از شش ماه پیش از ورود مواد هسته ای به پایگاه، به آژانس اجازه بازرسی بدهد یا حتی وجود پایگاهها را به آژانس اطلاع بدهد. در آن زمان، ایران هنوز مقررات ایمنی جدید آژانس را، که در سال ۱۹۹۲ وضع شده بود، امضا نکرده بود (۱۲).

آرشیو "کارزار ضد جنگ و تحریم در ایران" (کاسمی) در ادامه این تاریخچه می گوید:

"ایران طی مذاکرات دو ساله با سه کشور اروپایی (فرانسه، انگلیس، و آلمان) برای ایجاد اعتماد بیشتر نسبت به برنامه هسته ای اش، در ماه دسامبر ۲۰۰۳ داوطلبانه برنامه غنی سازی را متوقف کرد و پروتکل الحاقی آژانس مشتمل بر بازرسی های سرزده - یعنی ورای تعهدات آن پی تی - را پذیرفت، تا زمانی که در فوریه ۲۰۰۶، زیر فشار آمریکا پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد."

"ایران پیشنهاد کرد که در صورت بازگشت پرونده هسته ای اش از شورای امنیت به آژانس، دوباره پروتکل الحاقی را خواهد پذیرفت."

“ایران از کمپانی های غربی دعوت کرد که در ساختن برنامه هسته ای ایران مشارکت کنند. اینگونه مشارکت ها بهترین ضامن عدم انحراف غنی سازی اورانیوم به برنامه های تسلیحاتی است ... اما آمریکا و متحدانش این پیشنهاد ایران را رد کردند.”

“در سال ۲۰۱۰ میلادی، ترکیه و برزیل واسطه انجام معامله ای موسوم به “توافق تهران” شدند. بر اساس این توافق، تهران موافقت کرد که ۱۲۰۰ کیلو گرم اورانیوم غنی شده با درجه پایین را با میله های ۲۰ در صد غنی شده اورانیوم (ویژه درمان سرطان) معاوضه کند. این سازش بسیار بزرگی از جانب ایران بود. اما آمریکا (به رغم موافقت اولیه اش با آن، یعنی پیش از پذیرش طرح از سوی ایران)، پس از شکل گیری توافق ایران، ترکیه و برزیل، بازهم آن را رد کرد.”

“در ماه سپتامبر ۲۰۱۱، رئیس جمهور وقت ایران، محمود احمدی نژاد حین سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل آمادگی ایران برای تعلیق غنی سازی ۲۰ درصدی را اعلام کرد، مشروط به اینکه غرب میله های ۲۰ در صد غنی شده در اختیار ایران بگذارد. احمدی نژاد گفت: اگر به ما سوخت (غنی شده) ۲۰ درصدی بدهند، ما بلافاصله غنی سازی ۲۰ درصدی را متوقف خواهیم کرد.”

دولت او با این پیشنهاد را هم رد کرد. در اول ژانویه ۲۰۱۲، ایران آزمایش و تولید اولین میله های سوخت (۲۰ درصد غنی سازی شده) برای راکتور تحقیقاتی تهران را اعلام کرد.”

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

پس از دو سال مذاکره مشکل و طولانی، ایران و اعضای شورای امنیت به اضافه آلمان در سال ۲۰۱۵ میلادی به یک توافق، در چارچوب زمانی، دست یافتند. این توافق بسیار اختلاف بر انگیز در ایران برنامه هسته ای ایران را محدود کرد و آن را تحت شدید ترین بازرسی ها در تاریخ آژانس بین المللی انرژی هسته ای قرار داد. در مقابل، قرار شد تمام قطعنامه ها و تحریم های شورای امنیت و تحریم های جامع ایالات متحده و اتحادیه اروپا از روی ایران برداشته و حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شود.

این توافق نامه شامل پروتکل الحاقی یعنی بازرسی های سرزده آژانس در هر مکانی من جمله اماکن نظامی - مشروط به ارائه مدارک معتبر دال بر ملیت مشکوک هسته ای - بود.

در شرایط محاصره نظامی کشور توسط پایگاه های نظامی ایالات متحده و در پرتو شناخت پی آورد بمباران های بی رحمانه ساختار های حیاتی و نظامی عراق و لیبی توسط ایالات متحده و متحدانش، و در حالی که سایر طرفین این معامله، بجز آلمان، همگی مسلح به سلاح های هسته ای هستند، و اسرائیل -مهمترین دشمن منطقه ای ایران و محرک سوطن و بحران در رابطه با برنامه هسته ای ایران - خود مسلح به سلاح های هسته ای و زراد خانه های هسته ای اش از هرگونه بحث و سوالی مستثنی است، این مصالحه از دیدگاه فشر قابل توجهی از مردم ایران یک تحمیل خطرناک استعماری تلقی شده است. به گفته کسلی داوینپورت، رئیس بخش منع اشاعه سلاح های هسته ای در موسسه آمریکایی “کنترل تسلیحات”، “ایران یک استثنا است، به این معنا که برخی از مکان های کلیدی در ایران ۲۴ ساعته (۱۳) تحت نظر آژانس است و تیم های بازرسی مستقر در ایران دائماً اجرای تعهدات ایران را زیر نظر دارند” (۱۴).

جو ترس و تحریم های ثانویه

از سال ۲۰۱۶ تا اکتبر ۲۰۱۹، همه گزارشات آژانس که به موجب توافق هسته ای تهیه می شود، اجابت کامل ایران از تعهداتش را تایید کرده است. حال آنکه، آمریکا، از همان ابتدا، زیر فشار اسرائیل و عربستان سعودی، اجازه نداد که تحریم ها به درستی برداشته شوند. این سنگ اندازی ها به خصوص در مورد تحریم های مالی و بانکی وجود داشته است که با ایجاد فضای بی ثباتی و ترس از وضع تحریم های ثانویه (۱۵) (یعنی تحریم های برون مرزی آمریکا بر کشور ها و افرادی که تحریم های غیر قانونی آمریکا را عمدا یا سهوا رعایت نکرده اند) نمی گذارد که متحدین اروپایی اش (و سایر کشورها) با ایران وارد تجارت شوند یا در ایران سرمایه گذاری کنند.

از جمله، آمریکا لایحه ای را گذراند که از بعد از ژانویه ۲۰۱۶، اتباع کشورهای معاف از اخذ ویزای آمریکا، در صورت سفر به ایران پس از ۱ مارس ۲۰۱۱ (۱۶)، از حق ورود به آمریکا بدون کسب ویزا محروم می شدند. افراد با تابعیت دوگانه ی این کشورها نیز از ورود به آمریکا منع شدند.

سیاست فشار حداکثری و شروط دوازده گانه برای تسلیم ایران

در ۸ می ماه ۲۰۱۸، رئیس جمهور پیشین آمریکا، دونالد ترامپ، خروج آمریکا از برجام و اعمال بالاترین حد تحریم های اقتصادی برای ایران را اعلام کرد. پس از آن، مایک پومپئو وزیر امور خارجه وقت، طی سخنرانی ای به تاریخ ۲۱ می (۱۷) در بنیاد هریتج {که از با نفوذ ترین ستاد های فکری محافظه کار با گرایش توصیه به سیاست های مداخله گرانه قلمداد می شود} از استراتژی جدیدی برای ایران (۱۸) پرده برداشت.

در این سخنرانی، پومپئو، با همان قیافه خاص، یعنی بادی به گلو انداخته و گستاخانه، دوازده شرط تسلیم ایران را اعلان کرد. این مطالبات شامل توقف غنی سازی و بستن راکتور آب سنگین اراک، بازرسی بدون قید و شرط اژانس از هر مکانی در ایران، توقف برنامه موشکی متعارف و دفاعی ایران، و پایان حمایت ایران از همپیمانان استراتژیک منطقه ای اش بود - رابطه ای که برای امنیت ایران و هویت ملی - منطقه ای اش اهمیتی حیاتی دارد.

ایران در واکنش به این سیاست های فشار حداکثری، کلیه تعهدات برجامی اش را برای یکسال دیگر ادامه داد. در ماه می ۲۰۱۹، یعنی سالگرد روز خروج آمریکا از معامله هسته ای، ایران اولتیماتومی یکماهه داد که در صورت عدم عدول سایر امضا کنندگان برجام از سیاست های خشونت بار نقض تعهدات برجامی شان، ایران به موجب حقوق خود تحت بندهای ۲۹ و ۳۷ برجام (۱۹) از بخش هایی یا از کل تعهداتش در برجام کناره گیری خواهد کرد. در اول ماه جولای ۲۰۱۹، ایران تعلیق تدریجی تعهداتش را آغاز کرد.

موج مقاومت

در ۳ ژانویه ۲۰۲۰، ترور و شهادت فرمانده لشکر قدس، سردار قاسم سلیمانی، که با داعش جنگیده بود، و از محبوبیت وسیع ملی و منطقه ای برخوردار بود، میلیونها جمعیت سوگوار و خشمگین را در ایران و در سراسر منطقه بسیج کرد. این جنایت عواقب غیر قابل پیش بینی و ناخوشایندی برای عاملان آن در بر داشته است، به این معنا که در قبال سلطه استعمار و گفتمان غالب استعماری - که به رغم دستکش های مخملین دولت بایدن ادامه دارد - مقاومتی مصممانه تر را در ایران و منطقه متبلور کرده است.

دولت جدید آمریکا با ریاست جمهوری بایدن همان شروط تسلیم مورد مطالبه پمپئو را تکرار کرده، و انجام تعهداتش در برجام، یعنی لغو تحریم ها، را مشروط به خلع سلاح موشکی ایران، پایان اتحاد های حیاتی منطقه ای ایران، و افزایش محدودیت ها، تعهدات، و محدوده زمانی برجام کرده است. پاسخ ایران امتناع از پذیرش هر گونه مطالبه ای بوده است. ایران مصر است که بازگشت به تعهداتش مشروط به راستی آزمائی لغو تمامی تحریم هاست. احساسات ضد سازش و قولهای توخالی، و رد تهدیدهای نواستعماری، در این آگاهی روبه رشد ریشه دارد.

پاسخ ایران به ترور هسته ای اسرائیل در ۱۱ آوریل ۲۰۲۱، (تروری معطوف به تخریب امکان احیای برجام - زیرا که لغو تحریم ها و حفظ برجام به شکل فعلی اش خواسته های اسرائیل را بر آورده نمی کند) افزایش در صدغنی سازی در نطنز به شصت درصد بود. این واکنش بازتابی از امواج نیرومند آگاهی ضد استعماری و مقاومت است، که حوصله سازش و معامله نابرابر را ندارد و بخوبی می داند که اهرم قوی ابزاری لازم در مذاکرات است و موازنه متعادل تر قدرت تنها عامل تعیین کننده و ضامن دفاعی است.

بازرسی آژانس بین المللی هسته ای و لزوم خلع سلاح هسته ای اسرائیل

در روز ۲۸ آوریل ۲۰۲۱، الی کوهن، وزیر امنیت اسرائیل تهدید اسرائیل را تکرار کرد (۲۰) که در صورت بازگشت آمریکا به برجام فعلی (که منافع اسرائیل را تامین نمی کند) و لغو تحریم ها، اسرائیل با موشک های دوربرد به پایگاههای هسته ای ایران حمله خواهد کرد. این تهدید هم با سکوت آمریکا و متحدانش مواجه شد، همان سکوتی که جنایات مداوم اسرائیل در پاکسازی قومی، آپارتاید، تخریب خانه های فلسطینیان، شهرک سازی در مناطق اشغالی، زندانی کردن بدون محکومیت، از جمله زندانی کردن خردسالان، محاصره غزه، استفاده از بمب های فسفر سفید، روانه کردن سیلاب های آلوده به زمین های زراعی فلسطینیان، حمله به مسجد الاقصی در ماه مبارک رمضان، بمباران مجتمع های مسکونی در غزه و به آتش کشیدن درختان و محصولات کشاورزی فلسطینیان (۲۱) را نا دیده می گیرد.

دادن برگ سفید به اسرائیل برای ارتکاب هر جنایتی، و مصونیت آن از پاسخگویی و مجازات منطقه را به سرعت بسوی جنگ سوق می دهد. این خیال که ایران حمله به پایگاه های غنی سازی، ساختارهای حیاتی، کشتی ها، پرسنل و شخصیت های نظامی و علمی خود را بی پاسخ خواهد گذاشت، و دست کم گرفتن خطر شعله ور شدن جنگی منطقه ای با عواقب جهانی، که استفاده از سلاح های هسته ای را نمی توان از آن مستثنی کرد، باوری ابلهانه است.

پیشگیری از این خطرات نیازمند عمل است. تنها راه پیشگیری از جنگی مصیبت بار و دستیابی به صلحی عادلانه در خاورمیانه، در وهله اول، نیازمند خلع سلاح هسته ای اسرائیل و قرار دادن تسهیلات هسته ای آن تحت نظارتی از نوع نظارت آژانس بر ایران است. این راهکار در راستای هدف دراز مدت کشورهای منطقه – با حمایت دست کم اسمی شورای امنیت (۲۲) – در ایجاد خاور میانه ای عاری از سلاح های هسته ای است.

مهرناز شهبابی پژوهشگر و فعال صلح است. مقالات وی در امور مربوط به ایران در وبسایت های مترقی منتشر شده است.

مآخذ:

1. <https://www.timesofisrael.com/iran-says-natanz-was-hit-by-small-explosion-claims-damage-quickly-repairable/>
2. <https://www.nytimes.com/2021/04/11/world/middleeast/iran-nuclear-natanz.html>
3. <https://www.jpost.com/middle-east/israel-behind-explosion-at-natanz-nuclear-facility-nyt-664874>
4. <https://www.armscontrol.org/factsheets/JCPOA-at-a-glance>
5. <https://en.wikipedia.org/wiki/Stuxnet>
6. <https://slate.com/news-and-politics/2019/09/stuxnet-netherlands-allies-trump-cyberattack.html>
7. <https://www.theguardian.com/technology/2012/jun/10/stuxnet-us-internet-freedom-policy-john-naughton>
8. <https://www.vox.com/2020/7/17/21325985/iran-israel-explosion-natanz-nuclear-missile>
9. <https://www.theguardian.com/world/2014/jan/15/truth-israels-secret-nuclear-arsenal>

10. <https://web.archive.org/web/20061105132638/http://armscontrolwonk.com/Barnaby.pdf>
11. <https://fas.org/nuke/guide/israel/barnaby.pdf>
12. <https://harpers.org/2014/05/manufactured-crisis-the-untold-story-of-the-iran-nuclear-scare/>
13. <http://www.campaigniran.org/casmii/?q=node/12085>
14. <https://www.google.com/search?client=safari&rls=en&q=Kelsey+Davenport,+Director+for+No+nproliferation+Policy+with+the+Arms+Control+Association+said:+%E2%80%9CIran+is+a+uni+que+case+in+that+some+key+locations+are+subject+to+24-hour+surveillance+and+inspection+teams+are+continually+in+Iran+to+verify+its+compliance+with+the+agreement.%E2%80%9D&ie=UTF-8&oe=UTF-8>
15. <https://www.morganlewis.com/pubs/2016/01/us-and-eu-iran-sanctions-relief-what-non-us-persons-need-to-know>
16. <https://se.usembassy.gov/united-states-begins-implementation-of-changes-to-the-visa-waiver-program/>
17. <https://www.heritage.org/defense/event/after-the-deal-new-iran-strategy>
18. <https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/122460/full-text-of-the-iran-nuclear-deal.pdf>
19. <https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/122460/full-text-of-the-iran-nuclear-deal.pdf>
20. <https://www.reuters.com/world/middle-east/our-warplanes-can-reach-iran-israeli-minister-warns-amid-nuclear-talks-2021-04-29/>
21. <https://www.middleeasteye.net/news/palestine-israel-settlers-fire-attack-west-bank-burin>

فراخوان خلع سلاح هسته ای اسرائیل و ایجاد خاورمیانه ای عاری از سلاح های هسته ای

تدوین کنندگان فراخوان: مهرناز شهبابی، مهرداد شهبابی و دکتر محمدرضا طاهریان، فعالان عرصه فرهنگی و جنبش صلح

موافقان فراخوان می‌توانند با مراجعه به لینک زیر بیانیه را امضاء کنند

<https://www.change.org/NuclearDisarmamentofIsrael>

فراخوان خلع سلاح هسته ای اسرائیل و ایجاد خاورمیانه ای عاری از سلاح های هسته ای

ما امضاکنندگان این بیانیه خرابکاری در تاسیسات غنی سازی نطنز در تاریخ بیست و یکم فروردین ماه سال جاری را به مثابه نوعی ترور هسته ای شدیداً محکوم می‌کنیم. این حمله تقریباً از سوی عموم، از جمله رسانه های اسرائیلی، به رژیم مزبور نسبت داده شده، و ارتکاب آن توسط اسرائیل از سوی مقامات اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل نیز مورد تایید قرار گرفته است. اینگونه خرابکاری ها، با خطر جدی نشت مقادیر قابل توجهی مواد رادیو اکتیو، می‌تواند جان هزاران انسان بیگناه را در معرض نابودی قرار دهد و با آلودگی غیر قابل جبران محیط زیست، باعث بیماری ها و عوارض ژنتیکی دیرپا، و سبب ابتلائات متعدد در نسلهای آتی شود.

به استناد راستی آزمائی های مکرر «آژانس انرژی اتمی»، برنامه هسته ای ایران صلح آمیز و تحت نظارت دقیق آن سازمان است. حال آنکه اسرائیل، این تنها دولت مجهز به سلاحهای هسته ای در خاورمیانه، دارای زرادخانه بزرگی از سلاح های هسته ای است و به همین علت پیوستن به «معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای» را نپذیرفته است..

سکوت مرگبار به اصطلاح «جامعه جهانی» در قبال ترور هسته ای اسرائیل می‌تواند باعث اشاعه و استمرار چنین سنت مرگباری شود و با دامن زدن به زنجیره ای بی پایان از کنش و واکنش های تلافی جویانه و مسابقه تسلیحاتی، صلح و امنیت منطقه را با تهدیدی جدی مواجه کند..

از این رو، ما خواهان اقدامات مسئولانه سازمان ملل و شورای امنیت در محکومیت قاطعانه و پاسخگویی اسرائیل برای ارتکاب حملات خطرناک مکرر و عمیقاً غیرمسئولانه به تاسیسات هسته ای غیر نظامی ایران و قتل دانشمندان ایرانی بوده، و از اعضای سازمان ملل می‌خواهیم که، در راستای تلاش دیرینه برای ایجاد خاورمیانه ای عاری از سلاح های هسته ای، به فوریت نسبت به خلع سلاح هسته ای اسرائیل و قرار دادن برنامه هسته ای آن رژیم تحت نظارت و پایش «آژانس بین المللی انرژی هسته ای» اقدام نمایند.

پروفیسور ارواند آبراهامیان: استاد تاریخ معاصر ایران، ایالات متحده
پروفیسور آرشین ادیب-مقدم: استادان دیشه جهانی و فلسفه تطبیقی، بریتانیا
دکتر بهمن آزاد: دبیر اجرایی موسسه "شورای صلح ایالات متحده"، ایالات متحده
اجامو باراکا: مسئول سازماندهی ملی سازمان "اتحاد سیاهان برای صلح"، ایالات متحده
جودیت بلو: سردبیر نشریه سازمان "به جنگ داخلی و خارجی پایان دهید"، ایالات متحده
دکتر کاترین براون: استاد ادبیات انگلیسی، بریتانیا
دکتر ریموند براون: روانپزشک، عضو (بازنشسته) ارشد کالج سلطنتی بریتانیا
پروفیسور نعام چامسکی: استاد زبانشناسی و فعال سیاسی، ایالات متحده
شیلا کوم: فعال ضد جنگ، بریتانیا
دکتر رقیه دانشگری: داروساز، فعال دیرینه سیاسی ایران، آلمان
دکتر ریموند دین: موسیقیدان، نویسنده، فعال سیاسی، جمهوری ایرلند
پروفیسور عباس عدالت: استاد علوم کامپیوتری و ریاضیات، بنیانگذار "کارزار ضد جنگ و تحریم علیه ایران"، بریتانیا

پروفیسور فرادا د نولی: روانپزشک، استاد اپیدیمیولوژی، بنیان گذار موسسه "استادان و پزشکان سوئدی حامی حقوق بشر"، سوئد
 پروفیسور نورمن فینکلستاین: استاد سابق علوم سیاسی، نویسنده و فعال سیاسی، ایالات متحده
 مارگارت فلاورز: رئیس تشکیلات "مقاومت مردمی"، ایالات متحده
 سارا فلاندرز: رئیس، "مرکز کنشگری بین المللی"، ایالات متحده
 راجر هریس: عضو هیئت رئیسه "ستاد همبستگی با جنبشهای آمریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب"
 پروفیسور پل هاگت: استاد سیاست های اجتماعی، بریتانیا
 کریس هجز: رئیس سابق بخش خاور میانه روزنامه نیویورک تایمز، روزنامه نگار و فعال سیاسی، ایالات متحده
 جو لاوریا: سردبیر کل وبسایت کنسور تیوم نیوز، ایالات متحده
 کاسیا لاهام: "اتحاد ملی ضد جنگ"، ایالات متحده
 پروفیسور محسن مسرت: استاد سیاست و اقتصاد، آلمان
 الکساندر مرکوریس: سردبیر کل وبسایت "دوران"
 دکتر مرتضی محیط: تحلیلگر امور سیاسی و اجتماعی، ایالات متحده
 گارث پورتر: تاریخدان، روزنامه نگار پژوهشگر، تحلیلگر سیاسی در امور مربوط به امنیت ملی ایالات متحده، نویسنده کتاب "بحران ساختگی: ماجرای پنهان هراس آفرینی از برنامه هسته ای ایران"، ایالات متحده
 ویجی پراشاد: تاریخدان، روزنامه نگار، رئیس اجرایی "سه قاره: انستیتوی پژوهشهای اجتماعی"، ایالات متحده
 دکتر سامی رمضانی: استاد جامعه شناسی، نویسنده و فعال سیاسی، بریتانیا
 مهرناز شهابی: پژوهشگر، فعال صلح و فرهنگی، بریتانیا
 مهرداد شهابی: مترجم، فعال صلح و فرهنگی، ایران
 عبدالحمید شهبابی: مدیر پژوهش، "خانه آمریکای لاتین"، ایران
 دکتر محمد رضا طاهریان: فعال فرهنگی، تحلیلگر سیاسی، مدیر مسئول گاهنامه "دانش و مردم"، ایران
 کارول ترنر: نایب رئیس "کارزار خلع سلاح های اتمی" (سی.ان.دی)، بریتانیا
 فرشید واحدیان: مترجم، فعال صلح و فرهنگی، ایالات متحده
 فیل ویلایتو: فعال سیاسی، سردبیر نشریه "ویرجینیا دیفنדר"، ایالات متحده
 دکتر ناصر زرافشان: وکیل، نویسنده و مترجم، ایران
 نینا کراس: فعال صلح، انگلستان
 کاظم آذین: "همبستگی ایران" (سالیدریتی ایران)، ایالات متحده

